



یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ | ۹ ربیع الثانی ۱۴۲۷ | ۷ مه ۲۰۰۶

تیترا

رئیس سیااستعفا داد

صفحه ۳

وزیر اطلاعات: اتهام جهاننگلو بیگانه است

صفحه ۲

					
بازار دیروز					
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۸۴۰ تومان				
سکه تمام بهار طرح جدید	۱۵۳۰۰۰ تومان				
نیم سکه	۷۶۵۰۰ تومان				
دلار	۹۱۷ تومان				
یورو	۱۱۶۹ تومان				
شاخص کل بورس تهران	۹۴۹۳/۷				

آرش فرح زاد: اقدام تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس در تغییر وزیر خارجه و وزیر کشور کابینه خود مورد توجه روزنامه‌های انگلیس و دیگر کشورهای اروپا قرار گرفته بود. «لیدنپندنت»، «گاردین» و «تایمز» خروج چک استراو از کابینه تونی بلر پس از راگیری درون‌حزبی حزب کارگر را مورد توجه قرار دادند. «لیدنپندنت» در این مورد می نویسد: «زمان بسیار بدی برای تغییر دیپلماسی خارجی انگلیس بود. تونی بلر در حالی دست به تغییر وزیر خارجه خود زده است که پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل در حساس ترین مرحله خود به‌سر می‌برد و انگلیس نیز در این میان نقش بسیار مهم ایفا می‌کند. مارگارت بکت که اولین زنی است که سکان دیپلماسی بین‌المللی انگلیس را به عهده گرفته است فردا به نیویورک خواهد رفت تا با وزرای خارجه پنج کشور آلمان، چین، آمریکا، روسیه و فرانسه در مورد پرونده هسته‌ای ایران تصمیم‌گیری کنند. «گاردین» نیز خروج چک استراو را نشانه‌ای برای تغییر در دیپلماسی خارجی انگلیس به‌خصوص در مورد پرونده هسته‌ای



ایران می‌داند و می‌نویسد: «استراو در حالی از سمت خود برکنار شد که انگلیس به همراه فرانسه پیش‌نویس قطعنامه‌ای را مورد ایران را آماده می‌کردند و قصد داشتند به طور شده چین و روسیه را نیز با خود همراه کنند. حال برکناری وزیری که در مورد پرونده ایران بیشترین تلاش را داشت می‌تواند نشان‌دهنده تغییر رفتار دولت بلر با ایران باشد. استراو یکی از حامیان حل دیپلماتیک مسئله ایران بود و نیز یکی از جدی‌ترین مخالفان اقدام نظامی بر علیه این کشور. با عهده‌گیری از سمت وزیر خارجه بلر راحت‌تر می‌تواند کنترل سیاست خارجی انگلیس را به عهده بگیرد. «د آمریکا روزنامه‌های این کشور استعفای ناگهانی پورتر گاس رئیس سازمان CIA را مورد توجه گسترده قرار داده بودند. «لس آنجلس تایمز» نسبت به استعفای گاس این گونه واکنش نشان می‌دهد: «گاس پس از دو سال از سمت خود کناره‌گیری کرد. او در حالی که در کنفرانس مطبوعاتی خود که همراه با پوش برگزار کرده بود می‌توانست دلایل استعفایش را به روشنی بیان کند تنها به تشکر از رئیس‌جمهور بسنده کرد. ظاهراً اختلاف نظر گاس با جان نگر و پوتنه که دو هفته پیش به عنوان مدیر اطلاعات ملی انتخاب شد باعث استعفای گاس شده است. اما واقعیت این است که اقدام‌های سیاسی گاس در CIA و مشکلاتی که برای چینی‌ها ایجاد کرده باعث پذیرش استعفای او توسط پوش شده است.»

تصمیم گرفت شاعر بماند

مقاله‌ای از دکتر ضیاء موحّد

از قرار معلوم روبرت بلای شاعر، منتقد ادبی، مترجم و سیاسی‌نویس آمریکا همراه کلمن بارکر مترجم معروف مولانا به دعوت دانشگاه تهران به ایران می‌آید. روبرت بلای که در آستانه هشتادسالگی همچنان از چهره‌های فعال و موثر ادبیات جهان است شخصیتی است محبوب و محترم که نمی‌توان ابعاد گوناگون کارها و آثار او را در این مختصر معرفی کرد. آنچه مرا به نوشتن این یادداشت موظف کرده است، تا آنجا که به ادبیات و به‌خصوص شعر ایران ربط دارد. . .

صفحه ۱۷

روزنامه هدیه ویژه نمایشگاه کتاب و مطبوعات

درگذشت فقیه دگراندیش

صالحی نجف‌آبادی نویسنده شهید جاوید درگذشت

گروه اندیشه، حمیدرضا ایک: آیت‌الله نعمت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی صبح دیروز در بیمارستان بقیه‌الله تهران در اثر ابتلا به سرطان روده درگذشت. شاید اگر اسسال سالی از سال‌های دهه چهل یا پنجاه بود، می‌شد این گزارش را با همان جمله اول پایان برد، او یکی از شهرت‌ترین روحانیون مبارز آن روزگار بود و نامش با نام‌های بزرگان آن روزها گره خورده. همه می‌دانستند این مرد، چه دینی به گردن کسانی دارد که در هیاهوی نظر به‌ها و اعتقاده‌ها دل به اسلام بسته‌اند و حتی برای مبارزه سیاسی خویش نیز نیازی به بهره‌گیری از تئوری‌های غیراسلامی نمی‌بینند. افکار و اندیشه‌های او، صرف‌نظر از نقدها و تعریض‌هایی که در طول چندین سال به آنها صورت پذیرفت، فصلی نو در باب پژوهش‌های دینی و بررسی میراث سنتی ما گنود. نوشته‌هایش در میان علما و اندیشمندان و مردم کوچه و بازار دست به دست گشت و اندیشه‌هایش بر سر منابر و در کتاب‌ها تشریح و نقد شد. وقتی علی‌شریعتی «شهید جاوید» او را دید، گرچه محتوایش را نپسندید و نقدش کرد اما با تجلیلی شگرف از شخصیت صالحی‌نجف‌آبادی درباره اثرش گفت: «این محققانه‌ترین کتابی است که تاکنون در این حوزه دیده‌ام.» (علی‌شریعتی، کتاب شهادت) اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک ماه پیش به بیمارستان بقیه‌الله(عج) رفت تا از پیرمردی عیادت کند که بسیاری از برجسته‌ترین روحانیون این سرزمین، به شاکردی‌اش افتخار می‌کردند. هاشمی‌جایی در مقام توصیف اساتیدش گفته بود: «اساتید ما البته زیاد بودند. ولی آنهایی که بیشتر روی ما تأثیر می‌گذاشتند، یکی آقای منتظری بودند، البته در سطح بالاتر. در مقدمات [هم] مرحوم سعیدی و آقاییانی که زنده‌اند صالحی‌نجف‌آبادی، آقای مشکینی، آقای مجاهد، آقای سلطانی و آقای فکوری واقفاً زاهد و مردان پاک‌ای بودند.» (روزنامه رسالت، مرداد ۱۳۶۸) فراداد صالحی اما در طول این چند دهه در معرض نقد جدی بسیاری از مراجع تقلید و علمای قم قرار گرفت. بسیاری از نام‌آوران حوزه‌های علمیه به باب اندیشه‌های او اظهارنظر کردند و همین تبادل‌نظرها بود که فضای فکری سرزمین ما را در مدتی پس طولانی تحت تأثیر قرار داد.

...

نعمت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی در سال ۱۳۰۲ در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. پانزده ساله بود که تحصیلات مقدماتی را گذراند، در همان سال به اصفهان رفت و پس از گذراندن دوره ادبیات عرب، به درس حضرات آیات حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمدحسن عالم‌نجف‌آبادی (که داعی‌اش بود) رفت تا شرح لمعه و رسائل و مکاسب بیاموزد. در سال ۱۳۲۵ که مصادف با اوایل دوران مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجرودی بود به قم آمد و نزد ایشان به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت. بهره‌گیری از محضر آیت‌الله بروجرودی تا پایان عمر ایشان برای صالحی میسر شد اما او در همان زمان بر سر درس امام خمینی(ره) و آیت‌الله سیدمحمد داماد نیز شرکت می‌کرد. صالحی‌نجف‌آبادی همزمان و به توصیه اساتید بزرگوارش به تدریس ادبیات عرب، شرح لمعه، رسائل و مکاسب و کفایه پرداخت. حجج اسلام مهدوی‌کنی، هاشمی‌رفسنجانی، محمدی گیلانی، محفوظی، حسن صائنی، لاهوتی اشکوری، ربانی‌الملشی و موسوی‌زیدی از کسانی بودند که بر سر درس‌های او حاضر می‌شدند؛ روحانیون جوانی که هر کدامشان در سال‌های بعد به نام‌هایی آشنا در فرایند مبارزه با رژیم پهلوی تبدیل شدند. صالحی‌نجف‌آبادی شرح منظومه ملاهادی سبزواری و قسمتی از اسرار را نزد علامه طباطبایی گذراند که بزرگترین استاد فلسفه در آن دوران بود. بعدها نیز چند بار به تدریس منظومه پرداخت. گرچه تقدیر برای افکار و ایده‌های او سمت و سویی غیر از فلسفه‌مقدّر کرده بود. مدتی پس از به پایان رسیدن تحصیل در شهر خار فقه، صالحی تدریس در این زمینه را آغاز کرد و به بحث در باب موضوعاتی چون انفال، خمس و از همه مهم‌تر ولایت فقیه پرداخت. صالحی از ابتدای نهضت امام خمینی(ره) از یاران ایشان بود و یکی از کسانی بود که با حمایت بزرگان حوزه علمیه قم نقش مهمی در مرجعیت رهبر نهضت انقلابی مردم، امام خمینی(ره) داشت. او پس از رحلت آیت‌الله بروجرودی بخش عظیمی از مقلدان ایشان را به تبعیت از امام خمینی(ره) ترغیب کرد. پس از فوت آیت‌الله حکیم به یکی از افرادی بود که در پاسخ به پرسش‌های طلاب در باب مرجعیت شیعیان، امام خمینی(ره) را به عنوان مرجع معرفی کرد. شاید به دلیل همین ارتباط بود که امام خمینی(ره) طی نامه‌ای اجازه تصدی امور حسبه و تصرف در وجوه شرعیه و اخذ سهم از مسلمین را به صالحی‌نجف‌آبادی اعطا کرد. صالحی‌نجف‌آبادی به دلیل سوابق مبارزاتی‌اش، مدتی را در زندان ششاه به سر برد و پس از آن در سال ۱۳۵۲ از نجف‌آباد به قم منتقل و سپس تبعید شد. سال اول را در اهبور زنجان، سال دوم را در تویرسکان و سومین سال را در مهادیاب گذراند. صالحی‌نجف‌آبادی در سال‌های پس از انقلاب نیز به تدریس و تألیف مشغول بود.

...

«شهید جاوید» مهمترین کتاب صالحی‌نجف‌آبادی است. این کتاب که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد در واقع بسط ایده‌آلی بود که نخستین‌بار در مقالات صالحی در سالنامه معارف جعفری در سال ۱۳۴۷ مطرح شده بود. شهید جاوید تحقیقی بود درباره مقاله و ماهیت قیام امام حسین(ع). تأکید صالحی‌نجف‌آبادی در این کتاب بر بعد سیاسی – اجتماعی و عقلائی واقعه عاشورا دستمایه بسیاری از تحلیل‌هایی شد که انقلابیان مسلمان در مبارزات‌شان از آن بهره جستند. اما برخی فرازهای این کتاب و شاید رویکرد خاص صالحی به مسئله عاشورا با مخالفت و نقد گستر کثیری از علمای نظیر

منتقدان صالحی‌نجف‌آبادی

اما درباره صالحی‌نجف‌آبادی نگاه‌های متفاوت و انتقادی نیز وجود دارد، یکی از این نگاه‌ها دیروز در سایت بازتاب منتشر شد و این سایت مقاله‌ای از رسول جعفریان محقق و مویخ را منتشر کرد که در پی می‌خوانید. بازتاب: خبر درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین نعمت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی بسیار محدود انتشار یافت. هرچند عیادت چندی پیش آقای هاشمی‌رفسنجانی از وی نام روی را اندکی در رسانه‌ها مطرح کرد. طی سال‌ها نام این نویسنده روحانی همراه با کتاب معروف او با عنوان شهید جاوید است که طی تقریباً یک دهه پیش از انقلاب موجی از اختلاف‌نظرها را در کنار بحث از شریعتی و پاره‌ای از مسائل دیگر میان نویسندگان و خطیبان و روحانیون پدید آورد و دامنه آن به سال‌های پس از انقلاب هم کشیده شد. آقای صالحی به جز شهید جاوید مطالب دیگری هم در قالب مقاله و کتاب، پیش و پس از انقلاب نوشت که کمابیش مورد انتقادهای قرار گرفت اما شهرت او به دلیل نگارش همین کتاب بود. مقاله او درباره محل شهادت امام علی(ع) که در شماره چهارم سال هشتم مجله مکتب اسلام چاپ شد همان زمان مورد انتقاد قرار گرفت و در شماره پسین، مطلبی در انتقاد از آن درج گردید. بیشتر آن نوشته‌ها چنان‌نشان می‌داد که آقای

روزنامه هدیه ویژه نمایشگاه کتاب و مطبوعات



آقای آل احمد خسته است

ویژه‌نامه نمایشگاه کتاب ضمیمه روزنامه امروز

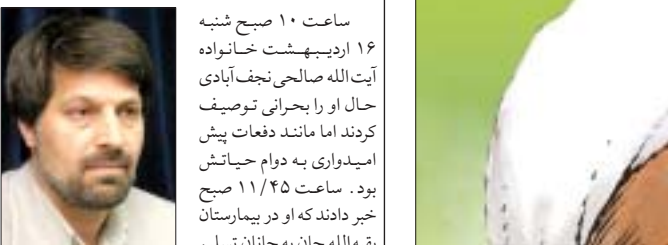
جلال آل احمد نویسنده‌ای چند چهره است. نویسنده‌ای که گاهی بر سر یک خشم آنچنان پای فشاری می‌کند که نتیجه‌اش «غرب‌زدگی» می‌شود و گاهی چنان درگیر وضعیت روحی طبقه فرودست و متوسط است که از دل آن «مدیر مدرسه» بیرون می‌آید. این معمای غرق‌بال انکار ادبیات و روشنفکری ما که هم روزگارانرش «رئیس» خطاب‌اش می‌کردند و نسل‌های بعد در پیش پا افتاده‌ترین حالت «جلال»‌اش می‌گفتند، هنوز هم یکی از مهمترین...

صفحه‌های ۲۵ تا ۲۸

سال سوم ■ شماره ۷۵۳ ■ صفحه ۳۲ ■ ۱۵۰ تومان

سرمقاله

صالحی‌نجف‌آبادی و تفکر انتقادی



ساعت ۱۰ صبح شنبه ۱۶ اردیبهشت‌خانواده آیت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی حال او را بحرانی توصیف کردند اما مانند دفعات پیش امیدواری به دوام حیاتش بود. ساعت ۱۱/۴۵ صبح خبر دادند که او در بیمارستان بقیه‌الله جان به جنان تسلیم کرد. برخلاف همالان و همسالان وی که چشم نگران رسانه ملی در تعقیب بیماری و بستر آنان است صالحی هیچ سهمی از این اطلاع‌رسانی و دوست‌نازی نداشت. تا ساعاتی پیش این نویسنده پراوازه در حیات بود و اینکه دیگری در باب مامتش می‌نگارد. نویسنده هیچ گاه نمی‌میرد تا آثارش زنده است. در دیپاچه کتایش با عنوان «نگاهی به حماسه حسینی» آمده است: در ۱۳۰۲ شمسی در نجف‌آباد متولد شد. در سن ۱۵ سالگی جهت کسب علوم دینی به اصفهان رفت. رسائل و مکاسب را نزد حاج‌آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمدحسن عالم‌نجف‌آبادی آموخت. او همچنین در محضر اساتیدی چون آیت‌الله بروجرودی، آیت‌الله سیدمحمد داماد، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ کرده بود و چنان که در آن دیپاچه آمده است خود نیز بعدها به تدریس ادبیات عرب و شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه پرداخت و برخی از آنان که در درس او حاضر می‌شدند حضرات آیات مهدوی‌کنی، محمدی گیلانی، محفوظی، حسن صاناعی، ربانی‌الملشی، موسوی‌یزدی، لاهوتی اشکوری و هاشمی‌رفسنجانی بودند. اما آنچه درخور اهمیت است این نیست که وی نزد چه کسانی آموخت و با چه کسانی نزد او آموختند. آنچه او را ممتاز می‌کرد جلوه دیگری از حیاست بود که وی را نمایین می‌ساخت. او نماد و مصادق بارزی از روشنفکر دینی بود. در باب ترکیب روشنفکری دینی و ممکن یا منتنع بودن آن بسی سخن‌ها گفته‌اند. اینکه در افق نظری، جمع «روشنفکری» و «دینی» بودن پارادوکسیکال است یا نیست، محل نزاع ما نیست. این دو واژه اعم از اینکه تناقض‌آلود باشند یا نباشند نافی وجود جریانی در عالم واقع نیست که روشنفکر است و دیندار.

«روشنفکر کسی است که از چارچوب‌های سنتی فراتر می‌رود و ارزش‌های نو خلق می‌کند و یا ساختارهای سنتی و ارزش‌های گذشته را چامه نو می‌پوشاند و تعریف مجددی از آنها ارائه می‌دهد و با قدرت انتقادی خویش به رفع و رجوع و حل مشکلات اجتماعی و فکری می‌پردازد و از چنین تفسیرها و چارچوب‌های رایج خارج می‌شود.» او می‌فهمد که جامعه واقعیتی زنده و پویا و دالما متحول و ذی‌شعور است. روشنفکر کسی است که با قریحه به‌جتهاد دین را و آموزه‌های دینی را روزآمد می‌سازد و تا تخذیر، تحلیل می‌دهد. لازم‌ه این به‌جتهاد، تفکر انتقادی است و لازم‌ه تفکر انتقادی داشتن تحقیق و تفکر، استقلال رای و شخصیت، تحمل و سعه‌صدر و تبادلات افکار و عقلائیست است. روشنفکر دینی کسی است که به ابزار فهم دین مجهز و با منطق درون دینی به بازفهمی و اجتهاد می‌پردازد. چنان که روشنفکر مارکسیست نیز باید با منطق درونی خویش امور را تحلیل کند. ما در اینجا در مقام ارزش‌گذاری بر روشنفکر دینی نیستم و روشنفکر دینی با لایتیک یا مارکسیست را فارغ از دآوری ارزشی می‌نگریم. فراگیری اقوال و آرای هایدگر و پوپر و نیچه و مارکس و دهه فیلسوف ارجمند مغرب زمین و کشیدن عایتی ربوایی و مذهبی بر آن و مونژات معارف، نمی‌تواند تعریف و مصادقای از روشنفکر دینی را بنمایاند. صالحی‌نجف‌آبادی در مورد این دو مسئله، بنابراین به سفر خواهد بود یا نه، از آن آگاهی نداشته است. این مسئله از سوی جناح‌هایی در حوزه که گرایش به اثبات نظریه علم امام به صورت جزئی و کامل داشتند، قابل تحمل نیست. بنابراین به مخالفان با کتاب و مولف آن برخاستند. در میان این دو مسئله، یعنی ۱- بحث از حکومت اسلامی به عنوان هدف امام حسین(ع) ۲- بحث از علم امام، مولف یعنی صالحی‌نجف‌آبادی به هر دو جهت علاقه‌مند بود، اما با توجه به کارهایی که وی در زمینه غلو انجام داده بود، به نظر می‌رسید حساسیت او روی بحث علم امام بیشتر بود. به خصوص که معتقد بود بدون آن بحث، نکته اول که اثبات هاد گرفتن حکومت برای نهضت عاشورا باشد قابل اثبات نیست. زیرا قابل تصور نیست کسی دنبال گرفتن حکومت باشد و همزمان بداند که کشته می‌شود. نوشتن تقریظ دو نفر از روحانیون انقلابی قم – منتظری و مشکینی – بر این کتاب، ستنی‌های حوزوی را برابر انقلابیون قرار داد و زمینه را برای عمیق شدن فاصله آنان که شرایط دیگری هم از جمله هایدرک گروبه به مرجعیت‌آیت‌الله‌خوئی و دیگری به مرجعیت امام بود، فراهم بود، آماده ساخت. به تعبیر آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، تقریظ‌نویسی آن دو نفر بر این کتاب، بهانه‌ای برای کوبیدن انقلاب و راه و هدف امام شد.

ادامه در صفحه ۲



امروز یکشنبه

۸۵/۲/۱۷

نویسنده مهمان:

سید علی میرفتاح

گروه اندیشه:

حمیدرضا ایک

گروه اجتماعی:

محمد رهبر

سالن 1A

غرفه ۳- ساعت ۱۴

دوشنبه:دکتر مصطفی معین،سه‌شنبه:مصطفی ناز زاده

چهارشنبه:سعید لیلان،جمعه:عمادالدین باقی